

نقش فضای تهی در معماری ایرانی

رویکردی بر شناخت پایداری معنایی معماری ایرانی

افسانه مروی

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه غیرانتفاعی دانش پژوهان

afsaneh.marvi@yahoo.com

محسن افشاری

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

m.afshary@au.ac.ir

چکیده

معماری با دادن کیفیت به فضا معنایی مغایر با سرپناه پیدا می کند؛ مکانی می شود که با شناخت کامل از قابلیت های هر فضا نه تنها به عملکرد آن توجه دارد، بلکه نیازهای روانی و حتی نیازهای والاتر ساکنانش را نیز تامین می نماید. در این راستا فضای تهی جزء فضاهایی است که با داشتن معانی قابل توجه، کمتر بررسی شده و آن طور که باید با آگاهی طراح، طراحی نشده است، این در صورتی است که در معماری سنتی ایران استفاده ها از مفاهیم ستر در این فضا برده اند؛ فضایی که بعضاً می توان یکی از اهدافش را برانگیختن ذهن و روح ناآرام در نظر گرفت.

در این پژوهش سعی بر آن بوده تا ابعاد معنایی و مفهومی فضا در معماری ایران بالاخص "فضای تهی" مورد بررسی قرار گیرد، تا بهتر بتوان از آن در راه رسیدن به فهم علل پایداری معماری گذشته استفاده نمود. روش کار بر این اساس بوده است که ابتدا به نقش فضا در قلمرو معماری ایران و شفافیت و تداوم در عرصه های مختلف معماری پرداخته شود و در ادامه اصالت فضای تهی؛ موردی که در معماری اسلامی با دیدی خاص به آن نگاه شده مورد مطالعه قرار گیرد. هرچند گذر زمان، تغییراتی در نیازها موجب می شود اما وجود یکسری از نیازهای ذاتی بشر (اشتیاق وصول به معشوقی که فرای ماده است) را نمی توان نادیده گرفت، نیازهایی که توجه کردن و پاسخ دادن به آنها فضایی را به مکان بدل می سازد؛ و این یکی از درس هایی است که می توان از معماری سنتی ایران گرفت. حذف فضای تهی در معماری یکی از امکان های بکارگیری قوه خیال، قوه ای که خلاقیت و آفرینندگی را بدنبال دارد، از انسان دریغ می کند، لذا فضای تهی، همچون ایوان در معماری مساجد نقش اصلی را در پایداری معنایی معماری ایرانی دارد.

کلید واژه ها

معماری ایرانی، پایداری، فضای تهی، شفافیت.

مقدمه

متنوعی وجود داشت و تنوعشان در رفع بسیاری از نیازها مفید واقع می‌شد و معماری که امروز در آن بسر می‌بریم شامل چند فضا با امکان تغییر کاربری بوسیله چیدمان اشیاء هستند که براساس زمان همان فضا تغییر کاربری می‌دهد، فضاهای تک بعدی. تاحدودی قابل پیش‌بینی است که طی کردن چند دهه زندگی در چنین فضاهایی نخواهد توانست تمام ابعاد وجودی انسان را تغذیه دهد؛ گویی مقداری از انتظاری که از فضا می‌رفت را از اشیاء خواهیم و این یکی از دستاوردهایست که فضاهای چندین عملکردی به ارمغان آورده اند.

۱- مفهوم فضا و زمان در معماری

از مؤلفه های لازم در شکل‌گیری معماری، مسایل مختلف اجتماعی، عملکردی و کالبدی هستند، اما برای تشخیص ارزش های معماری کافی نیست، زیرا مایه و جوهر معماری فضاست. چهار نمای حجم هر چقدر هم زیبا باشد، فقط جعبه ای است که در داخل خود گوهرگرانیهای معماری یعنی فضا را محصور کرده است. هر بنایی شامل یک جعبه ساخته شده است که محتوای اصلی آن بنا فضای داخل آن جعبه است. تا زمانی که جایگاه نظری فضا در معماری را نفهمیم و ارزش های فضا را در تاثیرگذاری جنبش ها و ماندگاری بنا، لمس نکنیم به هنر معماری مانند هنر مجسمه سازی نگاه خواهیم کرد (یوسف پور ۱۳۹۲). انسانها در فضا زندگی می‌کنند یعنی رابطه ای پیوسته از کنش‌های متقابل با آن دارند: از آن تغذیه می‌شوند و آن را تغذیه می‌کنند، از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند، در آن فضا حرکت می‌کنند و با این حرکت خود، در آن فضا معنا می‌آفرینند، اجزای فضا را به نشانه های معناداری برای خود تبدیل می‌کنند و یا نشانه هایی از بیرون بر فضا می‌افزایند (فکوهی ۱۳۸۳، ۲۳۶) فضا قابلیت اثرگذاری بر ادراکات ما از محیط را داراست.

"مسئله معماری، همیشه فضاست؛ فضایی که انسان در آن قرار می‌گیرد و با آن برخورد می‌کند و مسئله معماری می‌شود. ارتباط این فضاها با یکدیگر، یعنی یک سازماندهی فضایی. اهمیت فضا در معماری و شهرسازی تا بدانجاست که در هر زمانی، یک ایده فضایی مطرح بوده است" (محمدزاده به نقل از شیردل ۱۳۸۶). در معماری جهان اسلام، فضا از شأن و منزلت خاصی برخوردار است که در این مقاله به چطور دیده شدن آن از دید معماری اسلامی پرداخته شده است. این تحقیق سعی دارد ابعاد معنایی و مفهومی فضا در معماری مخصوصا فضای تهی در دیدگاه اندیشمندان اسلامی را از نظر بگذراند. بنابراین ابتدا از فضا شروع کرده، به سازماندهی فضایی و فضای درون و فضای بیرون اشاره ای می‌کند و به سمت معماری ایران می‌رود با عنوان شفافیت و تداوم فضای تهی تا مخاطب را با دید معماری ایران به فضا آشنا کند. در ادامه به فضای تهی از دید معماری اسلامی نگاه می‌شود مسئله‌ای که بگونه‌ای بیان یکی از عقاید ما مسلمانان است؛ توحید و یکتاپرستی. در انتها به بحث در مورد چگونگی بیان این اعتقاد به کمک معماری در فضای تهی و شایستگی آن در معماری پرداخته خواهد شد.

در مقاله حاضر، فضای تهی به عنوان عنصری از معماری مطرح می‌شود که دارای غنای فرمی و مفهومی و عملکردی است و فهم و درک میزان اهمیت آن، در بوجود آوردن تجربیات فضایی نابی به همراه معماری متمایز و شاخص منجر می‌شود و نیاز پرداختن به فضای تهی با توجه به ماهیت و نقش آن در بالا بردن معنا و حس مکان در بناها و عملکردهای مختلف هرچه بیشتر خود را نمایان می‌سازد. فضا جنبه‌های متعددی از زندگی بشر را دربرمی‌گیرد و طبیعتا بر نوع تفکرات او نیز اثر می‌گذارد و با توجه به این مطلب پرداختن به مبحث فضا از اهمیت بالایی برخوردار است. در معماری قدیم ایران فضاهای

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد دست کم ۱۹ معنی برای این واژه آورده شده است که از جمله: "گستره‌ای پیوسته که در آن اشیا وجود دارند و حرکت می‌کنند مقداری از یک منطقه که چیز خاصی را اشغال می‌کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است" و "فاصله میان نقاط و اشیا"، این‌ها نشانگر پیچیده بودن و عمق معنای فضا است. انسان موجودی فرهنگی است و رابطه‌ای تعاملی با فضا برقرار می‌کند، این رابطه سبب به جریان افتادن فرهنگ در فضا می‌شود و به دنبال این امر در فرهنگ تغییر و تحول ایجاد می‌شود؛ در واقع فضا عرصه‌ای فرهنگی است که شرایط لازم برای انتقال همه عناصر یک فرهنگ را در خود دارد (درگاهی ۱۳۹۰) و معماری اسلامی با توجه به همین قابلیت‌های مختلف فضا است که از آن برای بیان باورها و اعتقادات خود استفاده کرده است. زمان، از موارد قراردادی بشری است که برای درک آن از عناصر دیگری استفاده می‌شود. فضا، زمان را قابل لمس و فهم می‌کند و زمان نیز بر فضا متقابلاً اثر می‌گذارد و هر دو به صورتی بر یکدیگر کنش دارند؛ گویی در این بین به یکدیگر یاری می‌رسانند، هر یک بدون دیگری اگر نگوییم محکوم بر نیستی است، بهتر است بگوییم در مسیر خود کمبودی دارد.

در نگاه اول فضا نه با حرکت ارتباطی دارد و نه با زمان. اما در زبان انگلیسی، واژه فضا دست کم از سال ۱۳۰۰ میلادی به این طرف، هر دو معنی زمانی و مکانی را باهم داشته است (طبق فرهنگ آکسفورد). از زمان شکل‌گیری نظریه‌های نسبیّت خاص و عام و مفاهیم مجزای فضا و زمان، روز به روز به مفهوم ترکیبی فضا-زمان نزدیک‌تر شده‌اند (یوسف پور ۱۳۹۲). مفهوم فضا-زمان در معماری که تداوم در زمان در آن مستتر است، به گونه‌ای با حرکت در درون فضا مصداق پیدا می‌کند.

برونو زوی^۱ بین فضای معماری و دیگر فضاها که به اشتباه فضای معماری خوانده می‌شوند مرزی معین می‌کند:

۱- مرز بین معماری و مجسمه‌سازی ۲- مرز بین فضای

معماری و فضای شهری ۳- مرز بین حجم معماری و فضای معماری.

زوی از تجربه فضایی^۲ صحبت می‌کند؛ تجربه‌ای که با حرکت در فضا بدست می‌آید. در واقع او فضای داخلی و حرکت در آن را معیار اصلی جدایی مرزهای اشیا مختلف با فضای معماری می‌داند، ارزش در اینجا حرکت پیمایشی است و اگر رخ ندهد به آن نمی‌توان فضای معماری گفت. نظریه زوی را می‌توان در یک مثالی قرار داد که سه رأس آن، فضا، انسان و حرکت است (معماریان ۱۳۸۷، ۲۴۵-۲۴۸). معماری به معنای مکانی که موجودیت یافته، امکان اندازه‌گیری مکانی و زمانی به او تعلق می‌گیرد. بدین معنی که بیننده برای درک کامل فضای معماری بایستی آن را از جهات مختلف ببیند، در واقع در آن حرکت کند و گویی برای آن زمان گذاشته است و بدین ترتیب زمان بعد چهارمی می‌شود که برای ادراک فضا نیاز است. وجه مشترک بسیاری از تعریف‌هایی که در رابطه با معماری وجود دارد، معماری را به عنوان فن سازماندهی فضا معرفی می‌کنند. به عبارت دیگر موضوع اصلی معماری این است که چگونه فضا را با استفاده از انواع مصالح و روش‌های مختلف، به نحوی خلاق سازمان دهی کند. به عقیده برونو زوی معماری هنر ساختن فضا می‌باشد. از دیدگاه آگوست پره^۳ معماری هنر سازمان دهی فضا است که این هنر از راه ساختمان بیان می‌شود. ادوارد میلراپژوکوم^۴ نیز معماری را هنر ساختن و هدف کلی آن را محصور کردن فضا برای استفاده بشر تعریف می‌کند. شاید بتوان گفت بخش مهمی از تحول معماری در دوره‌ها و سبک‌های مختلف، در طول تاریخ ناشی از دگرگونی سازماندهی و تنظیم و تدوین فضا است. که در پی آن منجر به تغییر در سلیقه و زیبایی‌شناسی مردم می‌شود. از این رو نیکولاسپوزنر تاریخ معماری را تاریخ شکل‌گیری فضا به دست انسان می‌داند (یوسف پور ۱۳۹۲).

۲ - سازماندهی فضایی

رابطه میان جزء و کل مسئله‌ای است بسیار قدیمی، که حتی فیلسوفان یونان باستان نیز به آن پرداخته‌اند. بشر، هم نیازمند وحدت است و هم تنوع. وحدت و تعادل موجب آرامش می‌شوند و تنوع باعث تنش و تحرک. هراسختمانی می‌خواهد بین تمامی اجزایش، رابطه و سازماندهی وجود داشته باشد تا آن ساختمان بصورت یک کلیت واحد مطرح شود (گرایش به وحدت). این گرایش به وحدت از طریق سیستم نظم دهنده اجرا می‌شود و می‌تواند چنین باشد که وحدت در نگاه اول معلوم شود و تمامی عوامل دیگر در حاشیه قرار گیرند و یا اینکه سیستم نظم دهنده چنان پیچیده باشد که وحدت کل موجود به سختی قابل تشخیص باشد. در یک نظم پیچیده زمانی که اجزاء دارای هویتی ناتمام هستند، گرایش به کلیت، قوی تر می‌شود نسبت به زمانی که اجزاء کامل باشند. هرچه یک جزء ناتمام تر و غیر مستقل تر باشد با سهولت بیشتری در یک کل ادغام می‌گردد، این جزء همواره تمایل به تکامل دارد. اجزاء ناتمام از استقلال خود به سود کلیت صرفنظر کرده و در آن حل می‌شوند (گروت تر ۱۳۸۶، ۵۵۰ و ۵۶۵). فضای تهی این سازماندهی فضایی را می‌تواند انجام دهد.

"دوگانگی بین درون و بیرون مبنای هر گونه ادراک فضا است و حتی در تمام زندگی انسان نیز قابل پیگیری می‌باشد" (گروت تر به نقل از بولنوف^۵ ۱۳۸۶، ۱۶۳). انسان، هم به فضای بیرون و هم به فضای درون و هم به امکان حرکت بین این دو فضا نیازمند است. از این رو این دو قابل جدایی مطلق نیستند و همیشه ارتباطی کم و بیش شدید بین آنها وجود دارد. محل و فرم این ارتباطات بین داخل و خارج از تناقضی حاصل می‌شود که در ذات این ارتباطات وجود دارد، به این معنی که از طرفی بایستی فضای داخلی فضایی باشد محصور و بسته و محافظت شده در مقابل محیط خارج و از طرفی دیگر بایستی قطعاً بین

دو فضا ارتباطی وجود داشته باشد. چراکه هر دو این فضاها جمعاً محیط زندگی انسان را تشکیل می‌دهند و دارای ضرورت حیاطی می‌باشند (گروت تر ۱۳۸۶، ۱۶۳-۱۶۴). یک فضای واسط در این بین می‌تواند بر کیفیات فضایی هر دو فضا (درون و بیرون) بیفزاید و این امکان را فراهم کند تا دو فضا با خصوصیات متضاد بدون ایجاد مرزی در کنارهم و گاهی در ترکیب با یکدیگر قرار گیرند، بدون آنکه بر موجودیت خود اصرار کند.

در معماری سنتی ایران عملی مانند "گذار" که شاید امروزه در معماری کمتر به آن پرداخته می‌شود، حاوی ارزش های فرمی و فضایی قابل توجهی می‌شود و به الگوی معماری موفق بدل می‌گردد. به این ترتیب که، فضاهای نیمه باز به عنوان فضای گذار و ارتباط دهنده دو فضای باز و بسته نقش ایفا می‌کنند و خصوصیات از هر دو گروه در خود دارند. سه گروه فضایی باز، بسته و نیمه باز به صورت مجزا ساخته نشده اند بلکه هر کدام در امتداد دیگری معنا می‌دهند. به این معنا "فضاها به تدریج درجه باز و بسته بودن خود را از دست می‌دهند به نحوی که یکی به دیگری تبدیل می‌شود. این پیوستگی در ترکیب فضاها باعث می‌شود که فضاهای متوالی به عنوان بسط یکدیگر بکار روند، به عنوان مثال ایوان بسط پنج دری و پنج دری بسط ایوان است. از سوی دیگر تداخل ترکیب لایه های عمودی وافقی اطراف حیاط، توالی و پیوستگی و ترکیب گروه های باز، بسته و سرپوشیده، انسداد فضایی را از بین برده و در داخل خانه های تاریخی با سیالیت و شناوری مواجهیم" (حائری ۱۳۷۴ ذکر شده در محمودی ۱۳۸۴).

۳ - شفافیت و تداوم فضای تهی در معماری

ایران

نقطه مقابل مفهوم فضای بسته و تمام شده، مفهوم شفافیت و تداوم قرار دارد، در چنین فضایی، مسیر حرکت انسان و

درون شاه‌نشین کشانده، جاذبه‌های بصری که نگاه هر بیننده ایی را به قلب فضای داخلی می‌کشاند (قانع و کاظمی ۱۳۹۲). در بیان اصل سلسله مراتب و مفهوم پرده های وصل دهنده، یکی از خصوصیات معماری ایران برقراری تداوم مکانی می‌باشد. پرده-های فضایی، شروع و مقدمات آشکار ویژه ای را مشخص می‌نمایند و اوج آن زمانی است که احوالات درون گرایانه به دلیل پشت سرگذشتن مسیر و زمان به دریافت کاملی از یک حس باطنی در این عبور فضایی رسیده باشد (شولتز ۱۳۹۱، ذکر شده در زرتاج، ۱۳۹۱).

مقدمات، در مسیر تحول فضا به فضای عبور از مکان های شکل دهنده کل بنا مربوط می‌شود که فضای مرکزی جوهر و هسته اصلی آن است. این آمادگی متاثر از حرکت، زمان، نور و حجمی حاصل، ایجاد می‌شود. با استفاده از هندسه کثرت گرا که همانند طبیعت از مجموعه ای سطوح و نقاط درهم تشکیل شده است، ادامه و تداوم فضایی، پیوند خود را در ارتباط با مرکز ثقل خود همچنان حفظ می‌نماید. هندسه دو و سه بعدی تشکیل دهنده این معماری، به دلیل تداوم نیروهای متکی بر محورهای پیچیده در تقابل مکانی، نگاه و مسیر را از طریق شفافیت منظر، تنظیم و تعریف می‌کند. درک معماری بدون یک سفر عاشقانه به زمینه های ذهنی و پنهان که در آن عقل و علم و احساس پیوندی تنگاتنگ خورده اند ناممکن است (احمدی ۱۳۷۴، ذکر شده در زرتاج، ۱۳۹۱).

۴- اصالت فضای تهی در معماری اسلامی

مهمترین بنای معماری برای مسلمانان، کعبه است و آنچه در اولین تحلیل در مورد معماری آن (به لحاظ فضا سازی داخلی) میتوان گفت، تهی بودن آن است؛ زیرا برگزیده ترین بنده خدا، رسول اکرم (ص)، این خانه را از هرچه ناخدا در داخل آن بوده تهی ساخته و همین عامل، آن را خانه خدا ساخته است. از این رو با دقت در

یا نگاه او در تداومی پیوسته صورت می‌گیرد، به طوری که گشایش های فضایی در خطوط افقی و عمودی موجب شفافیت در لابه لای دیوارها و ستون ها می‌گردد که دورنما و منظرنهایی در افقی لایتناهی و مستهیل، مجددا جان و جلوه تازه به خود می‌گیرد معماری ایرانی همواره به دنبال کاستن از توده و افزایش فضا بوده است. همانطور که برون زوی نیز معتقد است که در لابه لای بدنه بناهای معماری ایرانی، فضا هیچ گاه با قاطعیت مشخص نمی‌شود و ابهام ترکیبات پیچیده آن به دلیل غنا بخشیدن به منظره‌ای است که نمی‌توان آن را در یک قالب محدود و تمامیت یافته تفسیر کرد. زوی از فضایی صحبت می‌کند که پیامی دارد از پدیده‌ای که درون پدیده‌ی دیگری است و حرکت به سوی آن، حرکت به سوی بخش دیگر فضا است با کلیت و جامعیتی گسترده. (زوی ۱۳۸۸، ذکر شده در زرتاج، ۱۳۹۱)، شاید بتوان گفت، در حال توصیف فضاهایی چون ایوان در معماری ایرانی است.

از دیدگاه میرمیران سیر معماری ایرانی سیر شفافیت است، چرا که معماری ایران، پیوسته این مفهوم را به بهترین وجه در بیشتر کاربری‌ها از جمله در کاربری مسکونی و مفهوم خانه نمود بخشیده است تا آنجا که سیر حصول این مفهوم در معماری هخامنشی تا معماری صفویه پیموده و در نهایت در دوره قاجار نهایت ظهور خویش را هویدا ساخته است. ایوان به عنوان فضایی که دارای کشش فضایی است و ایجاد جذابیت بصری از بیرون به درون و از درون به بیرون فضا ایجاد می‌کند، گویی فضای درون آغوش خود را به سمت فضای طبیعت بیرون باز کرده و خواهان یکی شدن با آن است. این حرکت و نفوذ مصادیق بارزی از شفافیت در معماری ایرانیست. قسمت اعظم تاکید بر فضای نسبتا شفاف شاه‌نشین و ایوان مقابل آن به عنوان دروازه ای برای ایجاد دید و منظر های مناسب به قسمت حیاط بوده است چنان که مسیرهای حرکت مناسبی را به سمت

وجود دارد و این وحدت است که در جان مخاطب هنر، شوق وصول به معشوق را ایجاد می‌کند یا به تعبیر مولوی دردی در جان آدمی ایجاد می‌کند که موجب حرکت به سوی معشوق می‌شود تا در حلقهٔ مستان او درآید (احمدنژاد سردرودی، شجاری ۱۳۹۱). باید در نظر داشت که وحدتی که در فضای تهی وجود دارد با نوری موجب می‌شود که خود، وجود است؛ که در قوس نزول مراتب، جنس عالم‌های فراتر از عالم حس و ماده را دارد و از جمله این عوالم، عالم مثال است که منشاء و مبداء آثار هنری اسلامی را تشکیل می‌دهد و آیه ۳۵ سوره نور اثبات این گفته است (بلخاری قهی ۱۳۹۰، ۳۴۴-۳۴۵).

۴-۱- حضور فضای تهی در هنر و معماری اسلامی

هنر اسلامی به طور کلی می‌کوشد تا محیطی به وجود آورد که در آن انسان بتواند وزن و وقار فطری و اولیة خود را بازیابد و بنابر این از هرگونه بت حتی به معنای نسبی و موقت آن دوری می‌ورزد. هیچ چیز نباید حجاب بین انسان و حضور خداوند قرار گیرد. از طرفی، اسلام مبتنی بر توحید است و وحدت را نمی‌توان با هیچ تصویری نمودار ساخت و بیان کرد و بکار بردن تصویر در هنر اسلامی به کلی منع نشده است. منع استفاده از تصاویر در مساجد (به صورت کاملاً عینی و واقع گرایانه) در مرتبهٔ اول یک هدف سلبی دارد و آن از میان برداشتن هرگونه "حضور" است که ممکن است در مقابل "حضور نامرئی" خداوند جلوه کند و به علت نقصی که در هر تمثیل و رمز وجود دارد، باعث اشتباه و خطا شود. در مرتبهٔ ثانی وجود نداشتن تصویر یک هدف و غایت ایجابی دارد که آن تأکید بر جنبه تزیهی باری تعالی است؛ بدین معنی که ذات مقدس او را نمی‌توان با هیچ چیز سنجید (بورکه‌هارت ۱۳۸۶، ۵۹-۶۰). کاربرد فضای خالی در هنر اسلامی یکی از مهمترین ثمرات مستقیم اصل مابعدالطبیعی توحید در هنر است.

کعبه، میتوان به اهمیت «تهی ساختن» و «فضای تهی» در معماری اسلام پی برد. فضای تهی در معماری اسلامی نمودی از حضور غیب در عالم شهادت است. استفاده از فضای تهی در اسلام، تأکیدی است بر تعمق قرارگیرنده در فضا به این که خداوند در همه جا نیست و هست و فقط «نور» اوست که در فضا تجلی داشته و اگر این سیر درونی و معنوی را بیننده در این فضا طی کند، همانا همه غرق در «او» می‌شود. از دیدگاه عارفان مسلمان عالم هستی جلوهٔ خداوند است و هر موجودی در آن تجلی یکی از اسماء و صفات الهی است و دارای ظاهر و باطنی می‌باشد؛ باطنی که دیدن آن نیاز به معرفت دارد، معرفتی که به واسطه آن چشم دل باز شود. در هنر اسلامی، دوگانهٔ «ملاً (فضای پر) - خلاً (فضای تهی)» مثالی است که به زیبایی حاکی از تجلیات ظاهری و باطنی خداوند است. همچنان که عارفان در شب و نه در روز و با فقر و تهی کردن خود نه با غنا و خودخواهی به وصال معشوق می‌رسند، فضای تهی در هنر اسلامی حاکی از حضور معشوق است و شوق را در مخاطب برای سلوک تا رسیدن به معشوق ایجاد می‌کند (احمدنژاد سردرودی و شجاری ۱۳۹۱).

روح آدمی از عالمی دیگر است و در سیر نزولی مراحل زیادی طی کرده و در هر مرتبه کثرت‌های خاص آن مرتبه بر ادراک او عارض شده تا اینکه در این دنیا که دار کثرت است، روح به کلی از موطن اصلی خویش جدا افتاده و گرد نسیان بر او پوشیده شده است. ارواح آدمیان، در فطرت خویش مشتاق رسیدن به معشوق هستند؛ اما حجاب ماده موجب می‌شود که حقیقت خویش و به تبع آن معشوق خویش را فراموش کنند و اینجاست که با مشاهدهٔ وحدتی در کثرات این عالم، یاد معشوق در آنها زنده شده و مشتاق سلوک به سوی او می‌گردند. در هنر اسلامی، فضای پر، از صفات متعدد و زیبای خداوند حکایت می‌کند؛ اما نقش مهم فضای تهی، نشان دادن وحدتی است که در ضمن کثرات

می‌گیرد. احساس ساده و تهی بودن مسجد، که از یک سو فقر معنوی و از سوی دیگر، از حس حضور "روح" ناشی می‌شود، همچنین پیامد تأکید وحی اسلامی بر آموزه وحدانیت پروردگار و در نتیجه سرشت غیر دیداری و غیر حسی هنر قدسی اسلام است. این عوامل دست در دست یکدیگر به این تهی بودن در فضای معماری اسلامی معنای معنوی بسیار مهمی می‌بخشد (طهوری ۱۳۹۱، ۱۲۳). هنر اسلامی نوعی فضای خالی ایجاد میکند و پریشانی‌ها را از میان بر می‌دارد و نظامی را جایگزین آن می‌سازد که مبین تعادل، آرامش و صلح است (بورکهارت ۱۳۸۶، ۹۷-۹۶). نظامی که همچون نمادی از وجود و عقل الهی و چون جوهری معنوی است که به درون غلظت ماده نفوذ می‌کند و آن را تبدیل به صورتی شریف و شایسته می‌سازد که مناسب محل زندگی نفس آدمی است؛ نفسی که جوهره اش در عین حال، ریشه در عالم نور دارد (اردلان و بختیار ۱۳۹۱، ۶). آدمی در خود گنجینه‌ای دارد که همانا فطرت پاکی است که از روز ازل در وجودش به ودیعه گذارده شده است و در ساخت محیط اطراف خود نیز گاهی در پی حفظ و نگهبانی از یادگارهای پاک فطری خود فضایی می‌سازد مملو از هیچ.

۵- فضای تهی مرکزی نامتین، اما تعیین کننده

تجلی حقیقت پنهان و آشکار شدن حقیقت زیبایی در موجودات، از جمله آثار هنری، به صورت "فضای تهی" به شکل مرکزی نشان داده میشود که همه چیز از آن آغاز و بدان ختم می‌شود و در شکل‌گیری فضاهای شهری و بناهای معماری به عنوان شکل دهنده ساختار فضا، نقش اساسی بر عهده دارد. فضای تهی به عنوان مرکزی نامتین، اما تعیین کننده عوامل مثبت هر فضای سنتی، نقطه اتصال و پیوند عوامل فضایی است که بدون

آموزه توحید به صراحت در شهادت، یعنی لا اله الا الله، متجلی است. این اصل یکی از قوی‌ترین قواعد مابعد الطبیعی است و واجد جنبه‌ها و سطوح معنایی متفاوتی است که در اینجا بطور مستقیم با دوتای آنها سروکار داریم. اولین آنها تأکید بر سرشت گذرا و غیراصیل ماسوی الله و بنابراین کل نظام خلقت است، که در این میان عالم ماده، از سایر عوامل ناپایدارتر است. طبق این تعبیر اگر پروردگار را "جوهرغایی" یا "وجود ناب" فرض کنیم و به یاد داشته باشیم که، در اصطلاح مابعدالطبیعه اسلامی، این امکان هست که "وجود" را "شیء" بنامیم، لاجرم جنبه‌ای از نیستی یا خلأ وجود دارد که در طبیعت کل نظام خلقت نهفته است و پیامد مستقیم این حقیقت است که، علی‌الاطلاق، فقط خداوند واقعی است. دومین آنها بر غیریت حقیقت مطلق تأکید می‌کند؛ به عبارت دیگر، بر این حقیقت که خداوند کاملاً ورای تمام آن چیزهایی قرار دارد که ذهن و حواس عادی به عنوان واقعیت، به معنای رایج کلمه، می‌شناسند. بنابر این تعبیر، اگر اشیا را به مفهوم متداول تلقی کنیم، آنگاه خلأ، یعنی آنچه از اشیا تهی است، به صورت اثر و پژواک حضور خداوند، در نظام هستی جلوه می‌کند، زیرا از طریق نفی "اشیا" در واقع به آنچه ورای همه چیزهاست، اشاره دارد. بنابراین فضای خالی رمز تعالی پروردگار و هم حضور او در تمام اشیا است. این اصل اساسی مابعدالطبیعی، که بر پایه "شهادت" بنا شده و نیز امتناع اسلام از اینکه منظر خود را بر مفهوم خدا - انسان مبتنی می‌سازد (امتناعی که خود با تأکید اسلام بر توحید همخوانی دارد) عمیقاً بر نقش مهمی دلالت می‌کنند که فضای خالی (خلأ) در هنر اسلامی ایفا میکند و اهمیت معنوی آن را در مقام رمزی قدرتمند در هنر و معماری توضیح می‌دهند (نصر ۱۳۸۹، ۹۷-۹۸). قرآن غالباً با تعبیر "عالم الغیب والشهاده" به جهان‌های نامشهود و مشهود اشاره دارد و اولی را معادل جهان معنوی و دومی را معادل جهان جسمانی با مادی

می‌کند، بر نبود مرزی بین درون و بیرون صحنه می‌گذارد و نه جزیی از فضای داخل است و نه کاملاً هویت فضای بیرون را داراست و گویی تنها ارتباطی با طبیعت بیرون دارد.

در مسیر اتفاقات زندگی گاهی چشم دل رو به سوی زاویه دیدی می‌کند که فرای محسوسات را حس می‌کند و این مهم را مدیون وجود ایوان رو به حیاط سراسر، زندگی است؛ ایوان زاویه دید مشخصی را، که توسط معمار انتخاب شده کادر بندی می‌کند و به تبع آن ادراکات حسی متفاوتی مانند حرکت، سکون، انتظار و یا احساس سبکی و تقدسی (مسجد) که وجود دارد... را ایجاد می‌کند، زاویه دیدی که در پی آن تخیل و تصویری به ارمغان می‌آورد (با حسن دقت انتخاب کننده زاویه دید، در اقلیم گرم و خشک ایران، قاپی سراسر سبز). «با اینکه قدمت شرق در خلاقیت و خیال و تخیل از غرب بیشتر است اما همه در عرصه تخیل خلاق، وامدار اندیشه یونان هستیم» با در نظر داشتن این صحبت حسن بلخاری (سلسله نشست های تخیل خلاق در حکمت و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴) و اینکه دوره سلوکیان زمان یونانی گرایی بود و بعد از آن اشکانیان با ترکیب عناصر یونانی و ایرانی شیوه ای جدید ابداع کردند و تکوین ایوان طاق دار را یکی از اقدامات مهمشان یاد می‌کنیم، تأثیر تخیل و متی فیزیک در تکامل ایوان ها از آن دوره به بعد مشخص تر می‌شود و با توجه به پیشینه فرهنگی و اعتقادی ایرانیان رشد می‌کند.

در این میان دقت نظر به دو خصوصیتی که در ایوان نیز شاهدشان هستیم قابل ارزش است، مسیر و حرکت مواردی هستند که با تاثیراتشان (پویایی، سیالیت و مکث) حال و هوای فضا را تغییر می‌دهند و بنا به هدف طراح احساسی را در ناظر زنده می‌کنند. در واقع حرکت در معماری یکی از مواردی است که ذهنیت طراح و باورهای او را می‌توانیم درک کنیم. طراح به کمک حرکت در فضا به نوعی ذهن را به حرکت وا می‌دارد و به سوی خیال و تخیل می‌برد. قوه تخیل به تعبیر ابن سینا، رهن است و

آن ارتباط میان آنها از هم می‌گسلد و هر یک به اجزای پراکنده و تک افتاده ای بدل می‌شود (احمدنژاد سردرودی و شجاری ۱۳۹۱). در شهرسازی و معماری سنتی ایران، مرتبه اول سلسله مراتب وجود بصورت فضای تهی در تعیین ساختاری و مفهومی فضا دخالت می‌کند. بنابر این مفهوم اولین مرتبه وجود در هنر سنتی نه فقط به شکلی صوری و تزئینی، بلکه در بسیاری از موارد به شکلی ساختاری متجلی می‌شود (طهوری ۱۳۹۱، ۱۱۸). حضور در چنین فضایی و تجربه آن از نزدیک، حرکت در آن و جزئی از آن شدن، ادراکی نه تنها از فضای معماری، از خرد کیهان ما در پی خواهد داشت.

۱-۵- سازمان دهی فضا بوسیله فضای تهی؛ ایوان

از نظر نگارندگان فضاهای تهی متعددی وجود دارند، برای مثال می‌توان از حیاط، ایوان، دالان و دالان-ایوان ها^۷ نام برد، که عناصری سازمان دهنده در ترکیب فرم ها نیز به شمار می‌آیند. ایوان از عناصر مهمی است که توسط ایرانیان به معماری دوره اسلامی جهان انتقال یافته است و در خانه های سنتی ایرانی از نظر اقلیمی و فرهنگی و زیبایی شناسی فضاها در جایگاه ویژه ای وجود داشت. در کنار این موارد فلسفه وجودی ایوان و نقش آن در مکتب اصفهان و فضاهای شهری نیز جایگاه قابل تاملی دارد، ایوان در بیان شفافیت، کاستن از ماده و افزودن به فضا، تقویت حضور آسمان، نور و محیط اطراف در فضای داخل، فعلی قوی است.

ایوان "و" اوی است که جمله مکان را کامل می‌کند، مکانی که درون و بیرون را، گذر زمان و حرکت و سکون را در خود دارد. عنصری ناتمام است و غیرمستقل که به دلیل همین ویژگی خود با سهولت بیشتری در یک کل واحد ادغام می‌گردد، جزعی ناتمام که در مجموعه ای قرار می‌گیرد و هم کمک به سازماندهی فضایی کل مجموعه می‌کند و هم خود را به عنوان عنصری شاخص مطرح می‌سازد و ایجاد تنوع فضایی، خوانایی و تمایز

حدودی با خلق فضای تهی انجام می شود. فضای تهی نمایش وحدت معبود در کثرت عالم مادی است.

چشم انداز آینده معماری می تواند به سمت ابعاد فضایی تاثیر گذار بر فرهنگ آینده باشد. تغییرات فضایی و سبک زندگی بر یکدیگر تاثیر می گذارند، در واقع هر فضایی یک تجربه فضایی به همراه دارد و در ذهن فرد تجربه ادراکی از خود بجا می گذارد، حتی اگر بر آن آگاه نباشد. بنابراین یاری گرفتن از فضای تهی با توجه به کیفیات بیان شده آن و با توجه به اعتقادات و باورهای این سرزمین می تواند اثرگذار باشد.^۷

پی نوشت ها

- 1- Bruno Zevi
- 2- Esperienza Spaziale
- 3- auguste Perret
- 4- Edvard miller upjokom
- 5- Otto Friedrich Bollnow

۶- لغتی که بهروز پاکدامن در مقاله پیدایش فرم در معماری ایرانی استفاده می کند. صفحه ۱۵۰ مجله معماری و فرهنگ.

۷- نگارندگان براین امر واقف هستند که با توجه به وسعت و عمق حوزه مورد مطالعه قرار گرفته، نیاز به دقت و مطالعه بیشتر در روشنگری مطالب و پژوهشهای بعدی وجود دارد و امید است که اساتید و پژوهشگران گرامی کمبود ها را برنگارندگان ببخشایند و نقطه نظرات سازنده خود را از ایشان محروم نسازند.

منابع

- اردلان، نادر، ولاله بختیار. ۱۳۹۱. حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی. ترجمه و نداد جلیلی. تهران: علم معمار روپال.
- احمدنژاد سردرودی، فرهاد، و مرتضی شجاری. ۱۳۹۲. بررسی فلسفه و اهمیت فضای تهی در معماری اسلامی.

راهزنی می کند، تصورات اشتباهی و دروغ می آفریند (توهم و اوهام) و از سویی دیگر، برساند آدمی را که به جز خدا نبیند (بهزاد و حلاج). قوه تخیلی که گاه به آفرینشی ختم می شود، موردیست که طراح از آن غافل نیست و اگر استفاده درستی از آن ببرد فضای گذار (ایوان) را به مکانی خاطره ساز و خاطره پرور تبدیل کرده است.

پرسشی که ممکن است پیش آید، در زمان حاضر رنگ حضور این فضای گذار کم رنگ تر از گذشته شده است و صدماتی، رفتاری- فرهنگی و آسایشی- اقلیمی به خانه های امروز وارد گردیده است، آیا با تزریق فضایی واسط و هماهنگ با بصیرت امروز آن صدمات جبران می شوند؟ چه ویژگی هایی باید آن فضا دارا باشد؟

نتیجه گیری

هنر و منجمله معماری پدیده ای است که می تواند مفهومی را که در علوم دیگر با گفتار می توان بیان کرد را با قراردادن مخاطب خود در فضای ساخته شده بدون نیاز به حضور فیزیکی هنرمند و حتی تا سالیانی دور از حضورش، آن مفهوم را بدون واسطه منتقل کند. در فضای تهی یکی از معانی که معمار ممکن است بخواهد منتقل نماید توجه به معبود است که نیازی فطری می باشد. فضای تهی در معماری این امکان را ایجاد می کند که مخاطب اثر، حتی با گذشت چند سده از خلق آن، معانی را دریافت کند، نه همانند عین به عین آنی که معمار در نظر داشته، که همانی که فطری است و همانند با زمان مخاطب است.

هنر و معماری اسلامی برخواسته از مفاهیم فرهنگی و عرفانی اسلامی است و در این بین مفهوم توحید امریست که هنرمند اسلامی در هرچه بهتر بیان کردن آن از طریق ماده تلاش می کند و در معماری چنین مقصودی تا

-فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان شناسی شهری. تهران: نشر نی.

-قانع، مهسا و پوریا کاظمی. ۱۳۹۲. بررسی و مقایسه مفهوم شفافیت در طراحی داخلی معماری مسکونی ایران و ژاپن.

-گروتز، یورگ کورت. ۱۳۸۶. زیبایی شناسی در معماری. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. چاپ چهارم.

-محمدزاده، محمد. ۱۳۸۶. فرارفتن از فرم در جهت فضا. مجله شارستان. شماره ۱۵-۱۶.

-محمودی، عبدالله. ۱۳۸۴. بازنگری اهمیت ایوان در خانه های سنتی (با نگاه ویژه به بم). نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۲.

-معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۷. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش، چاپ سوم.

-نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: حکمت.

-یوسف پور، کمال. ۱۳۸۲. زروان: خیرگاه هنر و معماری. (دسترسی در ۱۳۹۲/۹/۲۰)

<http://www.zorwanplus.persianblog.ir>

دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

-بلخاری قهی، حسن. ۱۳۹۰. مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: انتشارات سوره مهر.

-بلخاری قهی، حسن. ۱۳۹۴/۱۰/۱۰. نشست اول، سلسله نشست های تخیل خلاق در حکمت و اندیشه اسلامی، مرکز خلاقیت و نوآوری شهرداری اصفهان.

-بورکهارت، تیتوس. ۱۳۸۶. مبانی هنر اسلامی. ترجمه امیر نصری. تهران: حقیقت.

-پاکدامن، بهروز. ۱۳۷۸. پیدایش فرم در معماری ایرانی، معماری و فرهنگ شماره ۱، صاحب امتیاز دفتر پژوهشهای فرهنگی، مدیر مسئول و سردبیر حسین سلطان زاده.

-درگاهی، ملیحه. ۱۳۹۰. بررسی ساز و کارهای رابطه ی هویت و فضای فراغتی از خلال خرده فرهنگ های همسایگی، مطالعه ی موردی: محله ی پیروزی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

-زرتاج، آرمین، و حسین زرتاج. ۱۳۹۱. اصالت فضای تهی درشناخت نشانه شناسی معماری ایرانی و بازنمایی نشانه ها. ارائه شده در همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی، مشهد.

-طهوری، تیر. ۱۳۹۱. ملکوت آینه ها (مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop